ما می‌گوییم:

۱. برای فهم عبارت حضرت امام لازم است به یک نکته اشاره کنیم:

ماده اولیه وقتی با صورت جسمیه همراه می‌شود، تبدیل به جسم می‌شود ولی جسم خود دو قسم است: در یک قسم آن، ماده و صورت ترکیب اتحادی دارند و این قسم، هرگز تبدیل به صورت‌های دیگر نمی‌شود و یک نوع است ولی در یک قسم ماده اولیه با صورت جسمیه ترکیب انضمامی دارد، در این قسم وقتی صورت جدید (نامی) پدید می‌آید و ضمیمه به صورت قدیم می‌شود، باز ماده اولیه با صورت نامیه همراه می‌شود و تبدیل به جسم نامی می‌شود (در اینجا، صورت جسمیه غیر نامیه سلب شده و صورت جسمیه نامیه به ماده ملحق می‌شود).

حال: همین جا دو قسم جسم نامی موجود است، یک قسم، جسم نامی است که ترکیب بین صورت جسم نامی و ماده اتحادی است و این قسم دیگر حیوان نمی‌شود و نوع است ولی در قسم دیگر «ماده و صورت جسم نامی» انضمامی است و این قسم در مسیر تکامل، صورت جسم نامی حیوان را می‌پذیرد و تبدیل به حیوان می‌شود.

در اینجا حیوان (که از الحاق ماده و صورت جسم نامی حیوانی شکل گرفته) خود دو قسم است، در یک قسم، ترکیب بین «صورت جسم نامی حیوانی و ماده» ترکیب اتحادی است که این قسم دیگر انسان نمی‌شود و نوع حیوان را تشکیل می‌دهد و همه حیوانات مختلف (بقر و حمار و ابل و ...) اصناف آن هستند ولی در یک قسم ترکیب بین ماده و صورت جسمیه نامیه حیوانیه، ترکیب انضمامی است و این ماده با پذیرش صورت انسانیه تبدیل به انسان می‌شود که خود نوع است.

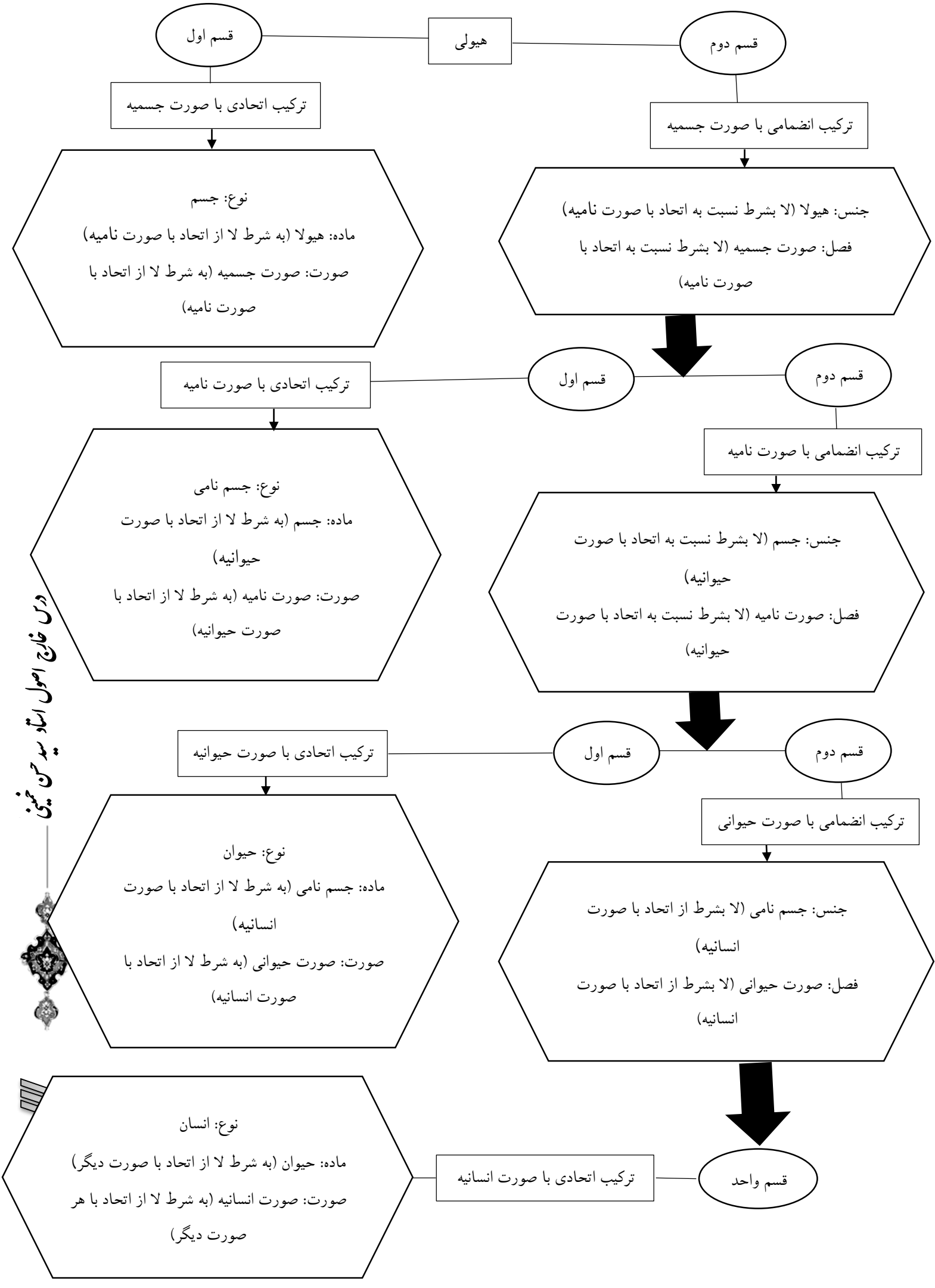
حال: ماده به شرط اتحاد صورت اولیه، نوع است ولی ماده‌ای که قرار است تبدیل به صورت جدید شود، در قیاس با صورت اولیه به شرط لای از اتحاد است (چون اگر متحد بود قابلیت اتحاد با صورت جدید را نداشت) و همان ماده‌ای که قرار است تبدیل به صورت جدید شود، نسبت به اتحاد با صورت جدید لا به شرط است.

۲. ممکن است بر این فرمایش امام اشکال شود که مبنای ایشان با خلع و لبس موافق است چرا که: مطابق فرمایش ایشان باید به خلع و لبس قائل شویم یعنی بگوییم «ماده اولیه‌ای که قرار است تکامل بیابد، صورت قبلی (که به آن منضم است) را کنار می‌زند و صورت بعدی را دریافت می‌کند پس ماده اولیه (که قرار است نامی شود) در مرحله جسمیت، با صورت جسمیه متحد نیست بلکه به آن منضم است و لذا آن صورت جسمیه را کنار می‌زند و صورت جدید را می‌گیرد.

۳. اما می‌توان از این اشکال پاسخ گفت که می‌توان مطابق همین مبنا به لبس بعد از لبس قائل شد به اینکه بگوییم که «صورت نامیه فعلیت صورت جسمیه را دارا می‌باشد و لذا ماده اولیه صورت جسمیه را کنار می‌زند ولی وقتی با صورت نامیه متحد شد، فعلیت صورت جسمیه را هم دارا می‌باشد.»

البته روشن است که این تقریر از لبس بعد لبس با تقریر مشهور مطابقت ندارد چرا که مطابق تقریر مشهور صورت بعدی بر صورت قبلی بار می‌شود و نه اینکه صورت قبلی زائل شود و صورت جدید در حالی که فعلیت صورت قبلی را هم دارد بر ماده حمل شود.

۴. برای تقریر بهتر فرمایش حضرت امام می‌توان چنین تصویری از بحث ارائه کرد:


هیولی
قسم دوم
ترکیب انضمامی با صورت جسمیه
جنس: هیولا (لا بشرط نسبت به اتحاد با صورت نامیه)
فصل: صورت جسمیه (لا بشرط نسبت به اتحاد با صورت نامیه)
قسم اول
ترکیب اتحادی با صورت جسمیه
نوع: جسم
ماده: هیولا (به شرط لا از اتحاد با صورت نامیه)
صورت: صورت جسمیه (به شرط لا از اتحاد با صورت نامیه)
قسم دوم
ترکیب انضمامی با صورت نامیه
جنس: جسم (لا بشرط نسبت به اتحاد با صورت حیوانیه)
فصل: صورت نامیه (لا بشرط نسبت به اتحاد با صورت حیوانیه)
قسم اول
ترکیب اتحادی با صورت نامیه
نوع: جسم نامی
ماده: جسم (به شرط لا از اتحاد با صورت حیوانیه)
صورت: صورت نامیه (به شرط لا از اتحاد با صورت حیوانیه)
قسم دوم
ترکیب انضمامی با صورت حیوانی
جنس: جسم نامی (لا بشرط از اتحاد با صورت انسانیه)
فصل: صورت حیوانی (لا بشرط از اتحاد با صورت انسانیه)
قسم اول
ترکیب اتحادی با صورت حیوانیه
نوع: حیوان
ماده: جسم نامی (به شرط لا از اتحاد با صورت انسانیه)
صورت: صورت حیوانی (به شرط لا از اتحاد با صورت انسانیه)
قسم واحد
ترکیب اتحادی با صورت انسانیه
نوع: انسان
ماده: حیوان (به شرط لا از اتحاد با صورت دیگر)
صورت: صورت انسانیه (به شرط لا از اتحاد با هر صورت دیگر)
درس خارج اصول استاد سید حسن خمینی

ما می‌گوییم:

۱. آنچه گفتیم را می‌توان در تقریرات فلسفه[۱] هم ملاحظه کرد.

۲. مطابق آنچه گفتیم: فرق ماده و جنس یک فرق واقعی و نفس الامری است و مثلاً آن «جسم نامی» که جنس است به آن جسم نامی که ماده است، واقعاً در شیء مختلف در عالم عین می‌باشند.

۳. البته مطابق این تقریر، «حیوان»، نمی‌تواند جنس بوده باشد، صرفاً ماده برای انسان است و اگر بخواهیم حیوان را به عنوان جنس تصویر کنیم، صرفاً یک لحاظ ذهنی از حیوان به دست داده‌ایم.

۴. اما جای این اشکال باقی است که اینکه می‌گویند: «صورت نباتیه در جایی که با ماده جسمیه ترکیب انضمامی دارد، فصل است و در این فرض لا بشرط از اتحاد با صورت حیوانیه است.» نوعی تناقض صدر و ذیل دارد. چرا که اگر ترکیب انضمامی است، یعنی صورت نباتیه خلع می‌شود و صورت حیوانیه عارض می‌شود. و این به معنای آن است که «صورت نباتیه» به شرط لا از صورت حیوانیه است (و نمی‌تواند لابشرط بوده باشد.)

ان قلت: صورت حیوانی مستجمع کمالات صورت نباتی هم می‌باشد و لذا این صورت حیوانی جدید، اگرچه روی صورت نباتیه نیامده است (و لذا می‌فرمایند ترکیب انضمامی است یعنی صورتِ قبل رفته و صورتِ جدید می‌آید) ولی فعلیت آن را دارا می‌باشد.

قلت: در هر حال آن صورت نباتیه (که قرار است به سبب انضمامی بودن کنار رود) نسبت به صورت حیوانیه لا بشرط نیست.

۵. و به همین جهت به نظر می‌رسد فرمایش حضرت امام اصلاً محتاج آن نیست که ترکیب را در «قسم دوم‌ها»، انضمامی فرض کنیم. بلکه در همان قسم دوم هم می‌توان ترکیب را اتحادی تصویر کرد.

۶. و اگر چنین گفتیم، اشکال هم نخواهد شد که «منی و بذر» (یا هر کدام از قسم دوم‌ها) مطابق فرمایش امام دارای ترکیب انضمامی‌اند و این به معنای آن است که بذر و منی دارای وجود واحد نیستند.

[۱]. ج۱، ص۱۸۶-۱۹۱